

ایران ورزشی

● صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
● مجری: مؤسسه فرهنگی و مطبوعاتی ایران
● رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جباری انصاری
● مدیرعامل و مدیر مسئول: علی متقیان
● سرپریدار ارشد مؤسسه: هادی خسرو شاهین
● سردبیر ایران ورزشی: علی جوادی
● تلفن: ۱۴۰۵۵۱۱۳۳ • نمابر: ۴۷۱۱۱۳۳
● چاپ: چاپخانه مؤسسه جام جم
● سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ - ۸۸۵۵۱۳۰۰ - ۸۸۷۴۶۵۸۳
● امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰ - ۸۸۲۱۹۵۴
● نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
● صندوق پستی: ۵۳۳۸۸ - ۱۵۸۷۵

فوتبال آسیا در آستانه یک تغییر بزرگ؛ الگویی اروپایی برای قاره‌ای با مختصات متفاوت

شاهکار آزمایشگاهی AFC



فوتبال آسیا

دشوارتر شده، هزینه‌های اجرایی افزایش یافته و پیچیدگی‌های لجستیکی، ارزش ورزشی بخشی از این مسابقات را کاهش داده است. اصل ایده قابل دفاع است، اما مسأله اصلی این است که آیا مدلی موفق در اروپا، در آسیا نیز قابل اجرا خواهد بود؟

ساختار پیشنهادی

بر اساس طرح مطرح شده، ۴۷ تیم ملی عضو AFC در سه سطح قرار می‌گیرند: ۱۸ تیم در سطح اول، ۱۸ تیم در سطح دوم و ۱۱ تیم در سطح سوم. این رقابت‌ها هر دو سال یک‌بار برگزار می‌شود و قرار است در نهایت جایگزین مقدماتی جام جهانی و جام‌ملت‌های آسیا شود. در سطح اول، شش تیم برتر به صورت مستقیم به جام جهانی صعود می‌کنند. تیم‌های هفتم تا دهم نیز در یک پلی‌آف داخلی به میدان می‌روند که دو برنده آن سهمیه مستقیم جام جهانی را به دست می‌آورند. بازیکنان این پلی‌آف نیز به پلی‌آف بین‌قاره‌ای راه خواهند یافت. نسخه نهایی طرح قرار است از سال ۲۰۲۰ و در چرخه‌های دوساله، یعنی دوره‌های ۲۰۲۳-۲۰۳۰ اجرا شود. تا آن زمان AFC قصد دارد نسخه‌ای آزمایشی برگزار کند و فرمتی متفاوتی تا سال ۲۰۲۴ حفظ خواهد شد. این دوره گذار احتمالا برای سطح‌بندی دقیق‌تر تیم‌های آسیایی و آماده‌سازی فدراسیون‌ها برای ساختار جدید در نظر گرفته شده است.

شبهات این طرح با نسخه جدید لیگ ملت‌های اروپا قابل توجه است. یوفا نیز رقابت‌های خود را در سه سطح ۱۸ تیمی سازماندهی می‌کند. تفاوت مهم این است که یوفا پس از هفت سال تجربه اجرایی، اکنون در حال اصلاح مدل خود است؛ در حالی که AFC می‌خواهد ساختاری نسبتاً پیچیده را بدون تجربه قبلی در قاره‌ای با مختصات متفاوت اجرا کند.

مسأله جغرافیایی

یکی از مهم‌ترین پرسش‌ها درباره موفقیت این طرح، تفاوت جغرافیایی آسیا و اروپا است. اروپا، با وجود تنوع فرهنگی و سیاسی، قاره‌ای نسبتاً فشرده محسوب می‌شود. فاصله بسیاری پایتخت‌های اروپایی کمتر از سه ساعت پرواز است و شبکه پروازی گسترده، رفت‌وآمد تیم‌ها را آسان‌تر می‌کند.

آسیا اما بزرگ‌ترین قاره جهان است. فاصله

میان ژاپن در شرق و کشورهای مانند لبنان یا سوریه در غرب آسیا می‌تواند به بیش از ۱۰ ساعت پرواز برسد و اختلاف زمانی پنج تا شش ساعته نیز به آن اضافه می‌شود. استرالیا نیز که از سال ۲۰۰۶ عضو AFC است، برای بسیاری از مسابقات آسیایی ناچار به انجام سفرهای بسیار طولانی است.

این فاصله فقط یک مسأله جغرافیایی نیست. هزینه سفر، سختی بازیکنان، زمان ریکاوری، برنامه باشگاه‌ها و فدراسیون‌ها و تأثیر سفرهای طولانی بر کیفیت مسابقات، همگی باید در طراحی لیگ ملت‌های آسیا مورد توجه قرار گیرند. این موضوع برای فدراسیون‌هایی که منابع مالی و زیرساختی محدودی دارند، اهمیت بیشتری دارد. پیچیدگی‌های سیاسی و دیپلماتیک نیز چالش دیگری است. برخی کشورهای آسیایی به دلایل سیاسی تمایلی به روبرویی با یکدیگر ندارند یا برگزاری مسابقه میان آنها با مشکلات ویزا، امنیتی و لجستیکی همراه است. در اروپا نیز تنش‌های سیاسی وجود دارد، اما سطح همکاری منطقه‌ای و زیرساخت‌های حمل‌ونقل، مدیریت بسیاری از این مسائل را آسان‌تر کرده است. در آسیا، تنوع نظام‌های سیاسی، اختلافات منطقه‌ای و تفاوت سطح توسعه کشورها باعث می‌شود اجرای یک رقابت منظم و دوساله، نیازمند راهکارهای متناسب با شرایط هر منطقه باشد.

در نهایت، مسأله اصلی درباره لیگ ملت‌های آسیا، خود ایده نیست. رسمی و هدفمند کردن بازی‌های ملی می‌تواند برای فوتبال آسیا مفید باشد؛ مسأله مهم‌تر، نحوه اجرای آن است. اگر AFC صرفاً نسخه اروپایی را کپی کند، احتمال افزایش هزینه‌ها و بروز مشکلات پیش‌بینی‌نشده وجود دارد. اما اگر ساختار جدید با توجه به جغرافیا، اقتصاد، زیرساخت، روابط سیاسی و تفاوت سطح فنی فدراسیون‌های آسیایی طراحی شود، لیگ ملت‌ها می‌تواند به ابزاری مؤثر برای منظم‌تر شدن فوتبال ملی قاره تبدیل شود.

تجربه فوتبال آسیا نشان داده است که داشتن یک ایده خوب، الزاماً به معنای اجرای موفق آن نیست. سرنوشت لیگ ملت‌های آسیا بیش از آنکه به شبکه‌های پخش و مدل اروپا وابسته باشد، به میزان انطباق آن با واقعیت‌های خود آسیا بستگی خواهد داشت.

وقتی حتی کافا هم گرفتار شد

برای آنکه بدانیم اجرای چنین طرح بزرگی در آسیا چقدر می‌تواند دشوار باشد، کافی است نگاهی به تجربه یک رقابت منطقه‌ای بسیار کوچک‌تر بیندازیم: جام ملت‌های کافا، که تنها میان ۸ تیم از آسیای مرکزی و همسایگانش برگزار می‌شود. دومین دوره این رقابت‌ها در تابستان ۲۰۲۵، در حالی برگزار شد که فدراسیون فوتبال مالزی، تنها چند هفته پیش از آغاز تورنمنت،

اهمیت طرح لیگ ملت‌ها برای ایران

پایان بلاتکلیفی یا آغاز یک آزمون تازه؟

اهمیت این طرح بیش از هر چیز به یک مشکل قدیمی بازمی‌گردد: مشکل پیدا کردن حریف برای بازی‌های دوستانه. تیم ملی در سال‌های اخیر بارها به دلیل تحریم‌ها، محدودیت‌های پروازی، هزینه‌های سنگین، تغییر برنامه‌ها و حتی انصراف‌های لحظه آخری با مشکل مواجه شده است. آخرین نمونه نیز در فینال اخیر رخ داد؛ جایی که پس از بازی برابر ازبکستان و روسیه، سومین دیدار موردنظر تیم ملی برگزار نشد و اردوی ایران بدون مسابقه پایانی به پایان رسید. اگر طرح لیگ ملت‌های آسیا تصویب شود و ایران همچنان در جمع ۱۸ تیم برتر قاره قرار داشته باشد، بخش قابل توجهی از این بلاتکلیفی از بین خواهد رفت. تیم ملی دیگر برای هر فینال مجبور نیست از صفر به دنبال رقیب بگردد. برنامه مسابقات از قبل مشخص خواهد بود و ایران می‌داند در هر مقطع چه تعداد بازی رسمی و در چه سطحی پیش رو دارد. براساس ساختار پیشنهادی، تیم‌های سطح اول در چرخه مرتبط با انتخابی جام ملت‌های آسیا ۶ مسابقه و در چرخه مرتبط با انتخابی جام جهانی ۱۲ مسابقه انجام خواهند داد. به این ترتیب، یک تیم حاضر در سطح اول طی یک دوره چهارساله دست‌کم ۱۸ بازی رسمی و برنامه‌ریزی‌شده خواهد داشت؛ عددی که برای تیم ملی ایران، با توجه به مشکلات همیشگی در برگزاری بازی‌های تدارکاتی، اهمیت قابل توجهی دارد.

مهم‌تر از تعداد مسابقات، کیفیت آنهاست. قرار گرفتن ایران در سطح اول به معنای تقابل منظم با تیم‌هایی مانند ژاپن، کره جنوبی، استرالیا، عربستان، قطر، عراق و ازبکستان خواهد بود. این بازی‌ها برخلاف مسابقات دوستانه، نتیجه و تبعات رقابتی دارند و همین مسأله می‌تواند معیار دقیق‌تری برای سنجش کیفیت واقعی تیم ملی باشد.

ایران نزدیک به نیم قرن است که در انتظار قهرمانی دوباره در جام ملت‌های آسیاست. از آخرین قهرمانی در سال ۱۹۷۶ زمان زیادی گذشته و در این فاصله، نسل‌های مختلفی آمدند و رفتند اما فاصله با قله فوتبال آسیا همچنان باقی مانده است. لیگ ملت‌ها، در صورت اجرای درست، می‌تواند این فاصله را نه با شعار، بلکه با افزایش تعداد بازی‌های جدی و مستمر برابر مدعیان کاهش دهد.

ساختار مرحله پائینی مسابقات نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. طبق طرح پیشنهادی، ۸ تیم برتر سطح اول به مرحله یک‌چهارم نهایی می‌رسند و پس از بازی‌های رفت‌وبرگشت، ۴ تیم نهایی در مرحله‌ای متمرکز برای قهرمانی رقابت می‌کنند. چنین ساختاری می‌تواند هر ۲ سال یک بار فضای شیب یک تورنمنت جدی را برای تیم‌های برتر آسیا ایجاد کند؛ فرصتی که تیم ملی ایران می‌تواند از آن برای محک خوردن در بازی‌های حذفی استفاده کند.

از سوی دیگر، لیگ ملت‌ها می‌تواند به انتقال نسل در تیم ملی نیز کمک کند. بازیکنان جوان دیگر تنها در بازی‌های دوستانه و کم‌فشار فرصت آزمایش نخواهند داشت و می‌توانند در مسابقات رسمی مقابل بهترین تیم‌های قاره تجربه کسب کنند. البته این موضوع شمشیر دو لبه است؛ چرا که استفاده از جوانان در چنین مسابقاتی نیازمند برنامه‌ریزی است و هر اشتباه می‌تواند روی جایگاه ایران و مسیر صعود تأثیر بگذارد. یک مزیت مهم دیگر برای ایران، ارتباط مستقیم این رقابت‌ها با مسیر صعود به جام ملت‌های آسیاست. ۱۸ تیم سطح اول به صورت مستقیم راهی جام ملت‌ها می‌شوند و در چرخه مرتبط با جام جهانی نیز جایگاه تیم‌ها می‌تواند مسیر صعود آنها را تعیین کند. بنابراین مسابقات ملی از حالت دیدارهای پراکنده خارج شده و به یک زنجیره رقابتی پیوسته تبدیل خواهد شد. اما نباید از محدودیت‌های این طرح هم غافل شد. اگر بیشتر فینال‌ها به مسابقات آسیایی اختصاص پیدا کنند، فرصت ایران برای بازی مقابل تیم‌های اروپایی، آفریقایی و آمریکایی جنوبی کاهش خواهد یافت. تیمی که هدفش حضور موفق در جام جهانی است، نمی‌تواند فقط با فوتبال آسیا آماده شود. شناسخت سبک‌های مختلف فوتبال، نیازمند برنامه‌ریزی برای بازی‌های خارج از قاره نیز هست.

با این حال، داشتن یک تقویم مشخص می‌تواند یکی از مهم‌ترین مشکلات فوتبال ملی ایران را حل کند: بلاتکلیفی. تیم ملی سال‌هاست که بخشی از برنامه آماده‌سازی خود را در انتظار پیدا کردن حریف مناسب از دست می‌دهد. لیگ ملت‌های آسیا می‌تواند این وضعیت را تغییر دهد و تیم ملی را صاحب مسیری کند که از چند سال قبل قابل پیش‌بینی است.

اکنون باید منتظر تصمیم نهایی AFC مانند. اگر این طرح تصویب و اجرا شود، لیگ ملت‌های آسیا برای ایران صرفاً یک مسابقه یا جام جدید نخواهد بود؛ بلکه می‌تواند چهارچوبی برای ساختن یک تیم ملی منظم‌تر، رقابتی‌تر و آماده‌تر باشد. البته به شرطی که فدراسیون، مسابقات آسیایی را پایان برنامه آماده‌سازی نماند و در کنار آن، برای مواجهه با فوتبال خارج از قاره نیز برنامه داشته باشد.



این‌ها تصمیم‌هایی نیستند که نتیجه‌شان در چند ماه دیده شود؛ اما اگر امروز شروع نکنیم، چند سال دیگر هزینه بسیار بیشتری برای جبران عقب‌ماندگی خواهیم پرداخت. «چراغ‌پور در پایان هشدار داد: «فوتبال جهان منتظر از آن، ممکن است در آینده از فوتبال آسیا نیز عقب بماند. امروز مسأله فقط حفظ جایگاه گذشته نیست؛ مسأله این است که آیا فوتبال آسیا قادر می‌تواند خودش را با فوتبال آینده هماهنگ کند یا خیر.»

بذنی، سرعت و قابلیت اجرای بالا نیاز دارد. چراغ‌پور البته تأکید کرد که تغییر نسل نباید به شکل ناگهانی انجام شود و گفت: «راه درست این است که بازیکنان باتجربه در کنار جوانان قرار بگیرند و برای هر پست، جانشین مناسبی تربیت شود. جوانان باید به شکل تدریجی وارد تیم ملی شوند تا انتقال نسل بدون از بین رفتن شاکله تیم انجام شود.»

وی با بیان اینکه فوتبال ایران به یک نقشه راه چندساله نیاز دارد، افزود: «باید استعدادیابی در لیگ‌های مختلف تقویت شود. آکادمی‌های حرفه‌ای توسعه پیدا کنند، دانش مربیان به‌روز شود و بازیکنان جوان فرصت بازی پیدا کنند.

لیگ ملت‌های آسیا، با ۴۷ عضو پراکنده از استرالیا در جنوب تا مغولستان در شمال و از لبنان در غرب تا ژاپن در شرق، چگونه می‌تواند از چنین بحران‌هایی در امان بماند؟ نگرانی اصلی این است که طرحی با این ابعاد، اگر بدون برنامه‌ریزی دقیق و با عجله اجرا شود، نه یک نسخه موفق از مدل اروپایی، بلکه نسخه‌ای بزرگ‌تر و پیچیده‌تر از همان مشکلاتی است که کافا، حتی در ابعاد کوچک خودش، با آن دست‌وپنجه نرم کرد.

تجربه کونکاکاف هشدار می‌دهد: از آن سوی اقیانوس

نمونه دیگری که می‌تواند چراغ راه AFC باشد، تجربه کونکاکاف است؛ کنفدراسیونی که از سال ۲۰۱۸، یعنی تقریباً همزمان با یوفا، لیگ ملت‌های خودش را راه‌اندازی کرد. این رقابت، هرچند در مجموع، فرصت‌های بازی بیشتری برای تیم‌های کوچک‌تر منطقه فراهم کرده، اما در طول ۷ سال اجرا، با انتقادهای جدی نیز روبه‌رو بوده است. کارشناسان فوتبال این منطقه، بارها به نابرابری مالی میان فدراسیون‌های عضو، تداخل زمان بندی مسابقات با سایر رویدادها و تسلط مستمر تیم‌های ثروتمندتر بر مراحل حذفی این رقابت‌ها اشاره کرده‌اند.

نکته قابل توجه این است که حتی موفقیت یک تیم در لیگ ملت‌های کونکاکاف، تضمینی برای موفقیت آن تیم در مقدماتی جام جهانی نبوده است؛ موضوعی که نشان می‌دهد ارتباط میان این دو رقابت، آنطور که طراحان اولیه تصور می‌کردند، همیشه خطی و قابل پیش‌بینی نیست. اگر AFC بخواهد لیگ ملت‌های آسیا را مستقیماً جایگزین کامل مقدماتی جام جهانی کند، باید از همین حالا به این پرسش فکر کند که آیا رقابتی با فرمت نسبتاً فشرده و دوساله، می‌تواند معیار دقیقی برای سنجش آمادگی واقعی تیم‌ها برای بزرگ‌ترین تورنمنت فوتبال جهان باشد یا نه.

دوره گذار تا ۲۰۳۴ احتیاط یا تردید؟

شاید بتوان مهم‌ترین نشانه آگاهی AFC از این چالش‌ها را، در همان برنامه زمانی طرح پیشنهادی جست‌وجو کرد. برخلاف یوفا، که لیگ ملت‌های اروپا را از همان ابتدا و به‌صورت کامل اجرا کرد، AFC ترجیح داده نسخه‌ای آزمایشی و پایلوت از این رقابت‌ها را، در کنار فرمت فعلی مقدماتی که تا سال ۲۰۳۴ ادامه خواهد داشت، به اجرا بگذارد. این رویکرد محتاطانه، می‌تواند هوشمندانه تلقی شود؛ به این معنا که AFC می‌خواهد پیش از جایگزینی کامل یک سیستم جاافتاده، سطح‌بندی دقیق تیم‌های ملی آسیایی را بسنجد و از بروز بحران‌هایی مشابه آنچه در کافا رخ داد، در ابعاد قاره‌ای جلوگیری کند اما همین احتیاط، می‌تواند نشانه‌ای از تردید عمیق‌تر نیز باشد. دوره گذار نه‌چندان کوتاه، از زمان کنونی تا سال ۲۰۳۴، یعنی نزدیک به یک دهه، فرصت کافی برای AFC فراهم می‌کند تا در صورت بروز مشکلات اجرایی یا مقاومت فدراسیون‌ها بزرگ‌تر، طرح را بی‌سروصدا کنار بگذارد یا به‌کلی بازطراحی کند؛ اتفاقی که پیش از این نیز طبق برخی گزارش‌های کارشناسی، یک‌بار در تاریخ بررسی‌های AFC برای راه‌اندازی لیگ ملت‌ها رخ داده و این ایده، به دلیل اختلاف‌نظر میان اعضا، به‌ویژه مخالفت برخی کشورهای بزرگ‌تر، به‌طور موقت کنار گذاشته شده بود.



چه چیزی در گرو این طرح است؟

برای فدراسیون‌هایی مانند ایران، که در این نشست اتلاین نماینده داشتند، پرسش عملی این است که این طرح، در صورت اجرا، چه تأثیری بر برنامه‌ریزی بلندمدت تیم ملی و سازمان لیگ خواهد داشت. اگر لیگ ملت‌ها واقعاً جایگزین مقدماتی سنتی شود، فدراسیون‌ها باید از همان ابتدا، نه تنها برای یک دوره چهارساله، بلکه برای چرخه‌ای دوساله و پیوسته، تیم ملی خود را آماده نگه دارند؛ موضوعی که با توجه به چالش‌های موجود در هماهنگی تقویم لیگ داخلی با تجربه‌های بین‌المللی، که حتی در مقیاس کوچک‌تر کافا نیز مشکل‌ساز شده بود، می‌تواند فشار مضاعفی بر ساختار فوتبال داخلی کشورها وارد کند. از سوی دیگر، سطح‌بندی تیم‌ها در سه‌رده اول، دوم و سوم، احتمالاً موضوعی حساس و چالش‌برانگیز خواهد بود؛ به‌ویژه برای تیم‌هایی که در مرز میان دو سطح قرار می‌گیرند. تجربه نشان داده که در مدل‌های مشابه، تیم‌هایی که در سطوح پایین‌تر قرار می‌گیرند، عملاً شانس کمتری برای صعود مستقیم به تورنمنت‌های بزرگ خواهند داشت، حتی اگر در یک دوره خاص، فرمی استثنایی از خود نشان دهند؛ موضوعی که می‌تواند عدالت ورزشی رقابت‌ها را زیر سؤال ببرد.



جمع بندی ایده‌ای درست، در مسیری پرخطر

نمی‌توان منکر این شد که ایده لیگ ملت‌ها، در ذات خود، ایده‌ای منطقی و رو به جلوسنتی. استفاده هوشمندانه‌تر از پنجره‌های بین‌المللی فیفا، به‌جای برگزاری بازی‌های دوستانه کم‌اهمیت و فراهم کردن مسیری رقابتی‌تر برای صعود تیم‌های کوچک‌تر، دستاوردی است که تجربه هفت‌ساله یوفا نشان داده، در اروپا به خوبی جواب نهاده است. اما کپی کردن یک مدل موفق از قاره‌ای فشرده، ثروتمند و با زیرساخت یکپارچه، به قاره‌ای به وسعت و تنوع آسیا، بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های بنیادین جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی، ریسکی جدی به همراه دارد.

تجربه تلخ کافا، حتی در مقیاس به‌مراتب کوچک‌تر از طرح پیشنهادی AFC، نشان داد که هماهنگ کردن تقویم، پنجره‌های آمادگی تیم‌ها، حتی میان همسایگان جغرافیایی، کار ساده‌ای نیست. تجربه کونکاکاف نیز نشان داد که حتی یک مدل جاافتاده هفت‌ساله، همچنان با چالش‌های مالی و اجرایی دست‌به‌گریبان است. در چنین شرایطی، سؤال اصلی این نیست که آیا ایده لیگ ملت‌های آسیا خوب است یا بد؛ سؤال این است که آیا AFC، ۴۷ عضو که از نظر توان مالی، زیرساختی و اولویت‌های سیاسی، فاصله زیادی با یک‌دیگر دارند، می‌تواند طرحی را که حتی در مقیاس‌های کوچک‌تر دچار چالش شده، در ابعاد یک قاره عظیم، با موفقیت اجرا کند. دوره آزمایشی تا سال ۲۰۳۳، شاید بهترین فرصت برای پاسخ دادن به همین پرسش باشد؛ اما تا آن زمان، شک و تردید نسبت به موفقیت این طرح، کاملاً بجا به نظر می‌رسد.

فوتبال جهان تغییر کرده، ولی مادر گذشته مانده‌ایم

چراغ‌پور: اگر تغییر نکنیم، از آسیا هم عقب می‌مانیم

دانستن یک مفهوم تاکتیکی کافی نیست؛ مسأله اصلی کیفیت اجرای آن مفهوم در سرعت و شدت بالای مسابقه است. این همان جایی است که فوتبال مدرن با فوتبال سنتی تفاوت پیدا می‌کند.

این کارشناس فوتبال تأکید کرد: «ما اگر این تغییرات را نبینیم و همچنان با همان روش‌های قدیمی آموزش، استعدادیابی و آماده‌سازی بازیکن کار کنیم، فاصله‌مان بیشتر می‌شود. امروز حتی فوتبال آسیا نیز در حال تغییر است و کشورهایی که روی آموزش، آکادمی و دانش روز سرمایه‌گذاری کرده‌اند، سرعت در حال نزدیک شدن به استانداردهای فوتبال جهان هستند. اگر فوتبال آسیا دانش خود را به‌روز نکند، فاصله‌اش با فوتبال جهان بیشتر خواهد شد و اگر فوتبال ایران هم در این مسیر حرکت نکند، ممکن است حتی از رقبای آسیایی خود عقب بماند. مشکل فقط این نیست که ما از اروپا فاصله داریم؛ باید مراقب باشیم که آسیا هم عقب نیفتیم.»

چراغ‌پور ضعف در آموزش، استعدادیابی

فوتبال جهان در سال‌های اخیر با سرعت زیادی در حال تغییر است؛ تغییراتی که تنها به تاکتیک و سبک بازی محدود نمی‌شود و آموزش، استعدادیابی، آمادگی بدنی، سرعت تصمیم‌گیری و حتی ساختار تیم‌های ملی را نیز تحت تأثیر قرار داده است. جلال چراغ‌پور، کارشناس و پژوهشگر فوتبال، معتقد است فوتبال ایران برای حفظ جایگاه خود در آسیا ناچار است این تغییرات را جدی بگیرد، چرا که ادامه مسیر فعلی می‌تواند فاصله فوتبال ایران را نه فقط با قدرت‌های بزرگ جهان، بلکه با رقبای آسیایی نیز بیشتر کند.

چراغ‌پور با اشاره به تحولات ایجادشده در فوتبال جهان اظهار کرد: «فوتبال جهان در حال تغییر است و این تغییرات به ساختار تیم‌های ملی، شیوه آموزش بازیکنان و حتی نوع بازیکنانی که به سطح بالا مورد استفاده قرار می‌گیرند، رسیده است. فوتبال امروز بیش از گذشته به سرعت اجرا، شدت بازی، توان بدنی، تصمیم‌گیری لحظه‌ای و اجرای دقیق تاکتیک‌ها وابسته است. دیگر صرفاً